

دایره مینا

شکل کامل یک فیلم اجتماعی که مانند گاو اقتباس از یکی از داستان‌های کوتاه غلامحسین ساعدی بود به نام آشغال‌دونی و تغییر نام آن در فیلم به دایره مینا که تناقضی به شدت خردمندانه و زیرکانه است، قصه‌ی دلالی خون‌آلوده و فروش آن به بیمارستان‌ها با نمایندگانی از هر طبقه‌ی جامعه که به صورت عجیبی باورپذیرند و اشاراتی فرویدی به انگیزه‌های جنسی فرو خورده و استحاله شدن رفته رفته‌ی زیبایی در دل فساد و تباهی که از طریق پسرک فیلم به مخاطب فهمانده می‌شود، اساساً به نظر نگارنده کامل‌ترین فیلم داریوش مهرجویی به لحاظ تبیین و تعیین جهان سینمایی خودش. اصولاً سینمای اجتماعی در گذر زمان رنگ و رو می‌بازد چرا که در پی بازنمایی نعل به نعل واقعیت هم‌زمان خویش است که خوب در گذر زمان تمامی این ارزش‌های اجتماعی تغییر می‌کنند و دیگر اعتبار ندارند اما چرا این فیلم هنوز جان دارد به این دلیل که وضعیت و چالش اجتماعی زمان خودش را در دل داستانی اسطوره‌ای تعریف می‌کند داستانی به شدت آشنا از ضحاک که هر چقدر خون می‌خورد سیر نمی‌شود، در ضمن فیلم اجتماعی راستین تغییر می‌آفریند مانند همین فیلم که دلیل اصلی تاسیس سازمان انتقال خون شد، رجوع کنید به فیلم‌هایی که به اسم سینمای اجتماعی به خوردمان می‌دهند و فقط داد و هوار بیخود می‌زنند تا از شرایط ملتهب جامعه برای خودشان پناهگاه بسازند.

